

بررسی وضعیت شیعیان در عصر امام حسن عسکری علیه السلام

فرحانه حیدر^۱

چکیده

پژوهش حاضر به دنبال پاسخ به این سؤال است که وضعیت شیعیان در زمان امام حسن عسکری چگونه بود. با اشاره به زندگی امام حسن عسکری علیه السلام فعالیت‌های علمی، سیاسی، اجتماعی آن حضرت و اقدامات حاکمان و خلفای عباسی هم‌عصر ایشان، امام در راه تقویت ارتباط شیعه با امام مهدی (عج) و زمینه‌سازی برای پذیرش امام غائب و معرفی و شناخت ایشان برای شیعیان خاص و رسیدگی امام حسن عسکری علیه السلام به وضعیت مالی برخی از شیعیان مطرح شده است. نیز مظلومیت‌های شیعیان مانند بازرسی منازل و ایجاد فضای رعب و وحشت و پراکندگی شیعیان در زمان امام عسکری بیان شده است. همچنین به قیام‌ها و شورش‌های این دوره از سوی علویان یا غیر شیعیان مانند قیام علی بن زید بن حسین، قیام احمد بن محمد و تبعات آن این قیام‌ها پرداخته شده است.

واژگان کلیدی: شیعیان، عباسیان، امام حسن عسکری علیه السلام، قیام‌ها.

۱. مقدمه

شیعه در لغت به معنای پیرو، طرفدار و گروهی است که بر امری یک‌سخن شوند و همچنین بر گروه یاران اطلاق می‌شود. (فیروزآبادی، ۱۴۱۲، ۲/۲۴۶) ریشه کلمه شیعه از مشایعت و به معنای مطاوعه و پیروی کردن است. واژه شیعه اگر تنها و بدون آمدن قیدی به دنبال آن به کار رود بر افرادی اطلاق می‌شود که دوستدار اهل بیت علیهم السلام بوده و به امامت آنان اعتقاد دارند. در زبان عرب، واژه شیعه بر حزب نیز به کار می‌رود. از این رو شیعه علی علیه السلام در مقابل شیعه معاویه قرار می‌گیرد (افتخارزاده، ۱۳۷۷،

^۱. دانش پژوه کارشناسی تاریخ اسلام از کشور پاکستان، مجتمع آموزش عالی بنت‌الهدی، جامعه المصطفی صلی الله علیه و آله و سلم العالمیه، قم، ایران.

ص ۱۳۹). شیعه در اصطلاح به مسلمانانی گفته می‌شود که حضرت علی علیه السلام را پس از رحلت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله خلیفه شرعی می‌دانند و نیز معتقدند که امامت علی علیه السلام از سوی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله منصوص من الله بوده است و امامت جز به ظلم و ستم از علی علیه السلام و اولاد علی علیه السلام خارج نمی‌شود (نوبختی، ۱۳۷۶، ص ۱۸).

شهرستانی در معنی اصطلاحی شیعه گفته است: «شیعه به کسانی گفته می‌شود که تن‌ها از علی علیه السلام پیروی می‌کنند و قائل به امامت منصوص او می‌باشند و او را وصی می‌دانند». (شهرستانی، ۱۴۱۵، ۱۹/۱). پیشوای دوازدهم شیعیان، امام حسن بن علی علیه السلام در ماه ربیع الآخر سال ۲۳۲ ق در مدینه زاده شد و در روز جمعه هشتم ربیع الاول سال ۲۶۰ ق، در سر من رأی سامرا رحلت کرد و به خاک سپرده شد (مفید، ۱۴۱۳، ۲۱۵/۱). نام مادر حضرت امام حسن علیه السلام را حدیث، سوسن، سمانه و اسماء گفته‌اند (حسینی، ۱۴۰۹، ص ۱۲۴). مادر بزرگوار حضرت، پاک‌ترین، پارساترین، پاکدامن‌ترین و والاترین بانوی زمان خود بودند و راویان، ایشان را از بانوان عارفه و صالحه برشمرده‌اند. در تعلیقه کتاب کمال الدین شیخ صدوق چنین آمده است: «المشهور اسم‌ها حدیث مصغرا». لقب‌های آن حضرت را صامت، هادی، رقیق، زکی، سراجف شافی و العسکری آورده‌اند. امام حسن علیه السلام پدر بزرگوارش و امام جواد علیه السلام هر سه را به ابن الرضا می‌شناسند (ابن شهر آشوب، بی‌تا، ۱۲۴/۴).

امامت امام حسن علیه السلام پس از شهادت امام هادی علیه السلام آغاز شد و حدود شش سال ادامه یافت. پس از شهادت امام هادی علیه السلام گروهی از شیعیان آن حضرت به امامت پسر دیگر ایشان که در زمان آن حضرت درگذشته بود، گرویدند. به گمان آنان، وی در حقیقت زنده بود و او را مهدی قائم می‌دانستند، اما به جز این گروه و تعداد اندکی که به جعفر بن علی علیه السلام پسر دیگر امام هادی که در بین شیعیان به جعفر کذاب مشهور است، گراییدند، سایر شیعیان امام هادی علیه السلام به امامت امام حسن علیه السلام اعتقاد پیدا کردند و امامت را با وصیت پدرشان امام هادی علیه السلام برای ایشان ثابت داشتند. (مفید، ۱۴۱۳، ۲/۳۱۳) از آنجا که پیشوای یازدهم امام علیه السلام به دستور خلیفه عباسی در سامرا در محله عسکر سکونت اجباری داشت، عسکری نامیده می‌شود (شیخ صدوق، ۱۴۴۱، ۱/۲۳۰). امام

حسن عسکری علیه السلام در مدت کوتاه امامت خویش ۶ سال با سه نفر از خلفای عباسی که هر یک از دیگری ستمگرتر بودند، معاصر بود. این سه تن عبارتند: المعتز بالله، المهتدی بالله، المعتمد بالله. دوران زمامداری این سه خلیفه، دوران اوج قدرت و سلطه ترکان بر مقدرات کشور اسلامی بود. خلفا در این دوره نه تنها میدان دار نبودند بلکه اسیر دست ترکان بودند. قدرت‌نمایی ترکان در دوران خلفای پیشین و خلیفه‌کشی آنان، بیم و وحشتی در دل معتز افکنده بود (حسن، ۱۳۶۰، ۹/۳). مقاله حاضر در نظر دارد با روش توصیفی تحلیلی به بررسی وضعیت شیعیان در عصر امام حسن عسکری علیه السلام بپردازد.

۲. امام حسن عسکری علیه السلام و حاکمان

امام حسن عسکری علیه السلام در دوران امامت خویش با سه خلیفه عباسی یعنی، معتز، مهتدی و معتمد معاصر بود. هر یک به شکلی آن حضرت را مورد آزار و اذیت قرار دادند تا آنکه سرانجام ایشان در زمان معتمد عباسی به شهادت رسید. معتز که در سال ۲۵۲ ق یعنی، دو سال پیش از امامت امام حسن عسکری علیه السلام به خلافت رسیده بود در سال آخر خلافتش که با امامت آن حضرت مقارن بود نه تنها ایشان را آسوده نگذاشت و مورد آزار قرار داد بلکه تصمیم بر کشتن ایشان را نیز گرفت، اما مرگش فرا رسید و موفق به این کار نشد (ر.ک.، ابن طاووس، ۱۴۱۴).

پس از مرگ معتز در سال ۲۵۵ ق، برادرش مهتدی به خلافت رسید. او نیز در مسیر ستم به هاشمیان و به ویژه امام حسن عسکری علیه السلام راه پیشینیان خود را دنبال و فرمان دستگیری و حبس امام را صادر کرد، البته خلافت مهتدی نیز خیلی زود تمام شد و پس از یک سال، ترکان ضد وی شوریدند و او را به قتل رساندند. پس از مرگ مهتدی در سال ۲۵۶ ق، معتمد به خلافت رسید. او که از دوران خلافت به نسبت طولانی برخوردار بود، در چهار سال ابتدای خلافتش که با امام عسکری علیه السلام مواجه بود محدودیت و فشار بر علویان و به ویژه امام عسکری علیه السلام را به نهایت رساند تا آنجا که باعث شهادت آن حضرت شد (شیخ صدوق، ۱۳۸۵، ص ۹۹).

۳. فعالیت‌های علمی امام عسکری علیه السلام

۳-۱. رساله‌ها و نامه‌ها

رساله‌ها و نامه‌هایی چند از امام حسن عسکری علیه السلام در تاریخ ثبت شده است که آنها را برای شیعیان، برخی مناطق شیعه‌نشین یا افراد عادی فرستاده‌اند و در آنها با اشاره به معارف دینی و لزوم انجام احکام الهی، بسیاری از مسائل لازم و ضروری را یادآوری یا بر انجام برخی کارها پافشاری کرده‌اند. برای نمونه می‌توان از نامه‌های ایشان به علی بن حسین بابویه قمی پدر گرامی و بزرگوار شیخ صدوق، نامه به اهل قم و نیز نامه به برخی از شیعیان یاد کرد. (ر.ک: مجلسی، ۱۹۸۳، ۱۴۷/۳۷۰)

۳-۲. سخنان و مواعظ

بسیاری از حکمت‌ها، علوم و معارف دینی از راه روایات، سخنان، سفارش‌ها و مواعظه‌های امام حسن عسکری علیه السلام برای شیعیان به یادگار مانده که می‌توان آنها را در کتاب‌های حدیثی شیعه چون اصول کافی و بحار الانوار به دست آورد.

۳-۳. پاسخ‌گویی به شبهات و مبارزه با عقاید انحرافی

بخشی از فعالیت‌های علمی امام حسن عسکری علیه السلام مربوط با مبارزه ایشان با عقاید انحرافی از راه مناظره و غیر آن است که راهنمایی شاگرد اسحاق کندی برای پاسخ دادن به استادش درباره تناقض قرآن، رفع شک و تردید از عقاید برخی شیعیان درباره نماز باران و مقابله با راهب نصرانی از نمونه‌های آن است. همچنین آن حضرت در مقابل فرقه‌هایی چون صوفیه، واقفیه، و مفوضه با صراحت موضع گرفته، با باطل و دروغ‌گو دانستن آنان، شیعیان را از انحراف حفظ می‌کرد. (قمی، ۱۳۶۸، ۵۷/۲).

۳-۴. کوشش‌های علمی و تربیت شاگردان برجسته

اگرچه امام به حکم شرایط نامساعد و محدودیت بسیار شدیدی که حکومت عباسی برقرار کرده بود موفق به گسترش دانش دامنه‌دار خود در جامعه نشد، اما با همان فشار و خفقان، شاگردانی تربیت کرد که هر کدام به سهم خود در نشر و گسترش معارف اسلام و رفع شبهات دشمنان نقش مؤثری داشتند. شیخ طوسی تعداد شاگردان آن حضرت را متجاوز از صد نفر ثبت کرده است که در میان آنان

چهره‌های روشن، شخصیت‌های برجسته و مردان وارسته‌ای مانند احمد بن اسحاق اشعری قمی، ابو هاشم داود بن قاسم جعفری، ابو عمرو عثمان بن سعید عمری، علی بن جعفر و محمد بن حسن صفار به چشم می‌خورند. امام حسن عسکری در روایتی، امام دوازدهم را به احمد بن اسحاق معرفی کرده، آن حضرت را به وی نشان می‌دهد و بر شبهات ایشان با حضرت خضر و ذوالقرنین از نظر طول عمر و غیبت طولانی ایشان اشاره می‌کند. (شیخ صدوق، بی‌تا، ص ۳۸۴)

۴. شرایط سیاسی دوران امام حسن عسکری علیه السلام

دوره امامت امام عسکری هم‌زمان با سه خلیفه عباسی بود: معتز عباسی ۲۵۲-۲۵۵ ق، مهتدی ۲۵۵-۲۵۶ ق و معتمد ۲۵۶-۲۷۹ ق. در دوره زندگی امام عسکری علیه السلام، دستگاه عباسی به ابزار دستی برای امیران رقیب تبدیل شده بود و به‌ویژه فرماندهان نظامی ترک نقش مؤثری در نظام حکومتی داشتند. شاید نخستین موضع سیاسی ثبت شده در زندگی امام حسن عسکری علیه السلام مربوط به زمانی باشد که امام حدود ۲۰ سال داشت و پدرش هنوز زنده بود. ایشان در نامه‌ای به عبدالله بن عبدالله بن طاهر از امیران صاحب نفوذ در دستگاه عباسی که از دشمنان مستعین، خلیفه وقت بود خلیفه را فردی طغیان‌گر خواند و ساقط شدن او را از خدا خواست. این ماجرا چند روز پیش از سقوط مستعین بود. پس از قتل مستعین، دشمن او معتز به قدرت رسید و با توجه به اطلاع احتمالی از موضع امام حسن عسکری علیه السلام نسبت به خلیفه مقتول در آغاز حکومتش نسبت به آن حضرت و پدرش حداقل در ظاهر رفتار خصومت‌آمیزی نداشت. پس از شهادت امام هادی و جانشینی امام عسکری نیز شواهد حکایت از آن دارد که باوجود محدودیت‌هایی که برای فعالیت‌های ایشان اعمال می‌شده امام از آزادی نسبی برخوردار بوده است. برخی از ملاقات‌های حضرت با شیعیان در اوایل امامت خود، این مسئله را تأیید می‌کند، اما پس از گذشت یک سال، خلیفه به امام بدگمان شد و در سال ۲۵۵ ق ایشان را زندانی کرد. امام در دوره یک ساله خلیفه بعدی مهتدی نیز همچنان در زندان بود. مرحوم کلینی می‌گوید: «امام حسن عسکری علیه السلام بیست روز قبل از مرگ معتز خلیفه عباسی نامه‌ای برای ابوالقاسم اسحاق بن جعفر زبیری نوشت و از او خواست از خانه بیرون نیاید تا حادثه‌ای رخ دهد. همین که بریحه کشته

شد، وی نامه‌ای به آن حضرت نوشت و کسب تکلیف کرد، اما امام دوباره به او نامه‌ای نوشت که این حادثه مورد نظر نبوده است و آن حادثه، واقعه دیگری است تا آنکه معتز از دنیا رفت» (کلینی، ۱۳۵۰، ۵۷۲/۱).

با آغاز خلافت معتمد (۲۵۶ق) که با قیام‌های شیعی روبه‌رو بود امام از زندان آزاد شد و بار دیگر به سازماندهی اجتماعی و مالی امامیه اهتمام ورزید. این نقش فعال امام، آن هم در پایتخت دولت عباسی بار دیگر دستگاه خلافت را نگران کرد. در صفر سال ۲۶۰ق امام به دستور معتمد به زندان افتاد و شخص خلیفه روزانه اخبار مربوط به امام را پیگیری می‌کرد. یک ماه بعد امام از زندان آزاد شد، ولی تحت الحفظ به خانه حسن بن سهل وزیر مأمون در نزدیکی شهر واسط منتقل شد. در موردی امام عسکری علیه السلام برای اینکه شیعیانش شناخته شوند به آنها دستور داد در روزی که ایشان می‌خواهد برای دیدار معتمد عباسی از منزل خارج شود به آن حضرت سلام نکرده و حتی با دست به ایشان اشاره نکنند؛ زیرا در امان نخواهد بود. (ر.ک.، مجلسی، ۱۹۸۳، ۲۶۹/۵۰).

۵. ارتباط امام عسکری علیه السلام و شیعیان

با توجه به ترکیب جمعیتی مذاهب در جامعه‌ای که اکثریت آن را اهل سنت تشکیل می‌دادند و همچنین فشارهای عباسیان بر شیعیان، جامعه شیعه در تقیه به سر می‌برد. با این حال امام حسن عسکری علیه السلام نسبت به اداره امور شیعیان و گردآوری وجوهات اهتمام داشت و وکیلانی به سرزمین‌های مختلف می‌فرستاد.

۵-۱. دیدار با امام عسکری علیه السلام

در اثر مراقبتی که نسبت به امام حسن عسکری علیه السلام وجود داشت، شیعیان برای دیدن او مشکل داشتند و از راه‌های گوناگون تلاش می‌کردند. برای نمونه هنگامی که خلیفه برای دیدن والی بصره می‌رفت و امام عسکری علیه السلام را نیز همراه خویش می‌برد اصحاب امام در طول راه خود را برای دیدن وی آماده می‌کردند. راوی دیگر نقل می‌کند: «در یکی از روزها که قرار بود امام به دارالخلافه برود ما در عسکر به انتظار دیدار وی جمع شدیم. در این حال از طرف آن حضرت توقیعی یعنی، نوشته‌ای بدین مضمون

به ما رسید: کسی بر من سلام و حتی اشاره هم به طرف من نکند؛ زیرا در امان نیستید. در تاریخ آمده است». برای اینکه شیعیان آن حضرت شناخته نشوند به آنها دستور داد در روزی که ایشان می خواهد برای دیدار با معتمد عباسی از منزل خارج شود به آن حضرت سلام نکرده و حتی با دست به ایشان اشاره نکند؛ زیرا در امان نخواهند بود (کلینی، ۱۳۵۰/۱، ۵۷۲). از مصادیق توجه امام حسن عسکری علیه السلام به شیعیان این است که آن حضرت در سامرا هر خانه‌ای از شیعیان را که مصلحت می دید تعیین می کرد و به آنها دستور می داد پس از نماز عشا در آنجا حضور یابند و مشکلات و مسائل شرعی خود را برای آن حضرت مطرح نمایند (طبری، ۱۴۱۳، ص ۲۵۰).

۵-۲. نمایندگان امام

محدودیت‌های شدید حاکم بر زندگی امام عسکری علیه السلام سبب شد که حضرت از نمایندگانی برای ارتباط با شیعیان استفاده کند. در شمار این افراد به‌ویژه باید از عقید، خادم خاص وی یاد کرد که امام او را از کودکی بزرگ کرده و حامل بسیاری از نامه‌های ایشان به شیعیان بود. همچنین فردی با کنیه غریب ابوالادیان که خادم حضرت بوده و ارسال برخی نامه‌ها را به عهده داشته است، همچنان می توان از نامه‌های امام به علی بن حسین بابویه قمی نامه به اهل قم و آبه و نیز نامه به برخی از شیعیان یاد کرد، اما کسی که در منابع امامی به عنوان باب نماینده و رابط امام با مردم شناخته شده، عثمان بن سعید است. عثمان بن سعید پس از وفات امام عسکری علیه السلام و با ورود به عصر غیبت صغری به صورت نخستین وکیل و نایب خاص امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشريف نیز ایفای نقش کرده است. (ابن شهر آشوب، بی تا،

۴/۲۵۴)

۶. فعالیت‌های اجتماعی امام حسن عسکری علیه السلام

۶-۱. ایجاد شبکه ارتباطی با شیعیان

در زمان امام حسن عسکری علیه السلام تشیع در مناطق مختلف و شهرهای متعددی گسترش یافت و شیعیان در نقاط فراوانی تمرکز یافته بودند. شهرها و مناطقی مانند کوفه، بغداد، نیشابور، قم، آبه، آوه، مداین، خراسان، یمن، ری، آذربایجان، سامرا، جرجان و بصره از پایگاه‌های شیعیان به شمار می رفتند.

در میان این مناطق به دلایلی، سامرا، کوفه بغداد، قم و نیشابور اهمیت ویژه‌ای داشتند. گستردگی و پراکندگی مراکز تجمع شیعیان، وجود سازمان ارتباطی منظمی را ایجاد می‌کرد تا پیوند شیعیان را با حوزه امامت از یک سو و ارتباط آنان را با همدیگر از سوی دیگر برقرار سازد و از این رهگذر، آنان را از نظر دینی و سیاسی، رهبری و سازماندهی کند. این نیاز از زمان امام نهم احساس می‌شد و شبکه ارتباطی وکالت و نصب نمایندگان در مناطق گوناگون به منظور برقراری چنین برنامه‌ای از آن زمان به مورد اجرا گذاشته می‌شد. این برنامه در زمان امام عسکری علیه السلام نیز ادامه یافت. به گواهی اسناد و شواهد تاریخی، امام عسکری علیه السلام نمایندگان از میان چهره‌های درخشان و شخصیت‌های برجسته شیعه در مناطق متعدد منصوب کرده و با آنان در ارتباط بود و از این طریق، پیروان تشیع را در همه مناطق زیر نظر داشت. از میان این نمایندگان می‌توان از ابراهیم بن عبده، نماینده امام در نیشابور و احمد بن اسحاق بن عبدالله قمی اشعری در قم و ابراهیم بن مهزیار در اهواز یاد کرد. (کاشانی، ۱۳۹۴، ۳/۳۶۱)

۶-۲. فعالیت‌های سری سیاسی امام عسکری علیه السلام

امام با وجود تمام محدودیت‌ها و مراقبت‌هایی که از طرف دستگاه خلافت به عمل می‌آمد، یک سلسله فعالیت‌های سری سیاسی را رهبری می‌کرد که باگزینش شیوه‌های بسیار ظریف پنهان‌کاری از چشم بیدار و مراقب جاسوسان دربار به دور می‌ماند. عثمان بن سعید عمری از نزدیک‌ترین و صمیمی‌ترین یاران امام، زیر پوشش روغن فروشی فعالیت می‌کرد و شیعیان و پیروان آن حضرت، اموال و وجوهی را که می‌خواستند به امام تحویل دهند به او می‌رساندند و او آنها را در ظرف‌ها و مشک‌های روغن قرار داده به حضور امام می‌رساند. داود بن اسود خدمتگزار امام که مأمور هیزم‌کشی و گرم کردن حمام خانه حضرت عسکری علیه السلام بود، می‌گوید: «این چوب را بگیر و نزد عثمان بن سعید ببر و به او بده. من چوب را گرفته، روانه شدم. در راه به یک نفر سقا برخوردیم. قاطر او راه مرا بست. سقا از من خواست حیوان را کنار بزنم. من چوب را بلند کردم و به قاطر زدم. چوب شکست و من وقتی محل شکستگی آن را نگاه کردم چشمم به نامه‌ای افتاد که در داخل چوب بود. به سرعت چوب را زیر بغل گرفته، برگشتم. وقتی به در خانه امام رسیدم عیسی خدمت‌گزار امام کنار در به استقبال آمد و گفت: "آقا و سرورت

می‌گوید که چرا قاطر را زدی و چوب را شکستی." گفتیم: نمی‌دانستم داخل چوب چیست. امام علیه السلام فرمود: چرا کاری می‌کنی که مجبور به عذرخواهی شوی. مبادا بعد از این چنین کاری کنی، اگر شنیدی کسی به ما ناسزا هم می‌گوید راه خود را بگیر و برو و با او مشاجره نکن. ما در شهر و دیار بدی به سر می‌بریم. تو فقط کار خود را بکن و بدان که گزارش کارهایت به ما می‌رسد». این قضیه نشان می‌دهد که امام، اسناد، نامه‌ها و نوشته‌هایی را که سری بوده در میان چوب، جاسازی می‌کرد و برای عثمان بن سعید که شخص بسیار مورد اعتماد و رازداری بوده، می‌فرستاد و این کار را به عهده مأمور حمام که کارش هیزم آوردن و چوب شکستن و بود و سوءظن کسی را جلب نمی‌کرد، واگذار کرده بود (طبسی، ۱۴۱۳، ص ۲۵۱).

۶-۳. حمایت و پشتیبانی مالی از شیعیان

یکی دیگر از موضع‌گیری‌های امام، حمایت و پشتیبانی مالی از شیعیان به‌ویژه از یاران خاص و نزدیک آن حضرت بود. گاهی برخی از یاران امام از تنگنای مالی در محضر امام علیه السلام شکوه می‌کردند و آن حضرت، گرفتاری مالی آنان را برطرف می‌ساخت و گاهی حتی پیش از آنکه اظهار کنند امام علیه السلام مشکل آنان را برطرف می‌کرد. این اقدام امام علیه السلام مانع از آن می‌شد که آنان زیر فشار مالی، جذب دستگاه حکومت عباسی شوند. ابوهاشم جعفری می‌گوید: «از نظر مالی در مضیقه بودم. خواستم وضع خود را طی نامه‌ای برای امام عسکری علیه السلام بیان کنم، ولی خجالت کشیدم و از این کار خودداری کردم. وقتی که وارد منزل شدم، امام صد دینار برای من فرستاد و طی نامه‌ای نوشت: هر وقت احتیاج داشتی، خجالت نکش و پروا مکن و از ما بخواه که به خواست خدا به مقصود خود می‌رسی» (اربلی، ۱۴۰۳، ۲۲۲/۳). در کتاب تاریخ تشیع آمده است که کمک‌های مالی به فقیران و برخی از شیعیان، بخشی دیگر از فعالیت‌های اجتماعی آن حضرت را تشکیل می‌داد که افراد مختلفی بنا بر نیازهایشان از ایشان یاری می‌خواستند و مورد لطف ایشان قرار می‌گرفتند. برخی موارد از کمک‌های مالی ایشان عبارتند از: کمک به یکی از علویان، کمک به عمرو بن ابومسلم، کمک به ابویوسف شاعر و دیگران» (خضری، ۱۳۸۵، ۳۰۴/۱).

۶- ۴. تقویت عناصر مهم شیعه

یکی از مهمترین فعالیت‌های سیاسی امام، تقویت و توجیه سیاسی رجال مهم شیعه در برابر فشارها و سختی‌های مبارزات سیاسی در جهت حمایت از آرمان‌های بلند تشیع بود. از آنجا که شخصیت‌های بزرگ شیعه در فشار بیشتری بودند امام علیه السلام هر یک از آنان را به نحوی دل‌گرم و راهنمایی می‌کرد و روحیه آنان را بالا می‌برد تا میزان تحمل و صبر و آگاهی آنان در برابر فشارها، تنگناها و فقر و تنگدستی‌ها فزونی یابد و بتوانند مسئولیت‌های بزرگ اجتماعی و سیاسی و وظایف دینی خود را به خوبی انجام دهند. امام علیه السلام در نامه‌ای به علی بن حسین بن بابویه قمی یکی از فقهای بزرگ شیعه، پس از ذکر یک سلسله توصیه‌ها و رهنمودهای لازم چنین یادآوری می‌کند: «صبر کن و منتظر فرج باش که پیامبر صلی الله علیه و آله فرموده است: برترین اعمال امت من، انتظار فرج است. شیعیان ما پیوسته در غم و اندوه خواهند بود تا فرزندم ظاهر شود. همان کسی که پیامبر بشارت داده که زمین را از قسط و عدل پر خواهد ساخت، همچنان که از ظلم و جور پر شده باشد. ای بزرگ‌مرد و مورد اعتماد و فقیه من! صبر کن و شیعیان مرا به صبر فرمان بده. زمین از آن خداست و هر کسی از بندگانش را که بخواهد، وارث حاکم آن قرار می‌دهد. فرجام نیکوتنها از آن پرهیزگاران است. سلام و رحمت خدا و برکات او بر تو و بر همه شیعیان باد!» (مجلسی، ۱۹۸۳، ۳۷۲/۷۸).

۷. استفاده گسترده از آگاهی غیبی

می‌دانیم که امامان علیهم السلام در پرتو ارتباط با پروردگار جهان از آگاهی غیبی برخوردار بود و در مواردی که اساس حقانیت اسلام یا مصالح عالی امت اسلامی در معرض خطر قرار می‌گرفت از این آگاهی به صورت ابزار هدایت استفاده می‌کرد. پیش‌گویی‌ها و گزارش‌های غیبی امامان علیهم السلام بخش مهمی از زندگی نامه آنان را تشکیل می‌دهد، اما چنین به نظر می‌رسد که آن حضرت بیش از امامان دیگر آگاهی غیبی خود را آشکار می‌ساخته است. براساس تحقیق یکی از دانشمندان معاصر از کرامات و گزارش‌های غیبی و اقدامات خارق‌العاده امام عسکری علیه السلام قطب راوندی در کتاب خرائج، چهل مورد، سید بحرانی در مدینه المعجز، صد و سی و چهار مورد، شیخ حر عاملی در اثبات الهداه، صد و سی و شش مورد و

علامه مجلسی در بحار الأنوار، هشتاد و یک مورد را ثبت کرده‌اند و این به خوبی روشن‌گر فزونی بروز کرامات و گزارش‌های غیبی از ناحیه آن حضرت است. (ابن شهر آشوب، بی تا، ۳۳۱/۴)

به نظر می‌رسد علت این امر، شرایط نامساعد و جو پراختناقی بود که امام یازدهم علیه السلام و پدرش امام هادی علیه السلام در آن زندگی می‌کردند؛ زیرا از وقتی که امام هادی علیه السلام از سر اجبار به سامرا منتقل شد به شدت تحت مراقبت و نظارت بود. از این رو امکان معرفی فرزندش حسن به عموم شیعیان به عنوان امام بعدی وجود نداشت و این کار، حیات او را از ناحیه حکومت وقت در معرض خطر جدی قرار می‌داد. به همین دلیل کار معرفی امام عسکری علیه السلام به شیعیان و گواه گرفتن آنان در این باب در ماه‌های پایانی عمر امام هادی علیه السلام صورت گرفت به طوری که هنگام رحلت آن حضرت هنوز بسیاری از شیعیان از امامت حضرت حسن عسکری علیه السلام آگاهی نداشتند.

عامل دیگری که در این زمینه مؤثر بود اعتقاد گروهی از شیعیان به امامت محمد بن علی برادر حضرت عسکری علیه السلام در زمان حیات امام هادی علیه السلام بوده است. این گروه براساس همین پندار او را در محضر امام هادی علیه السلام احترام می‌کردند، ولی حضرت با این پندار مبارزه می‌کرد و آنان را به امامت فرزندش حسن علیه السلام راهنمایی می‌کرد. پس از شهادت حضرت هادی علیه السلام گروهی از خیانت‌کاران و نادانان مانند ابن ماهویه، این پندار را دستاویز قرار داده به اغوای مردم و منحرف ساختن افکار از امامت حضرت عسکری علیه السلام پرداختند. (قمی، ۱۳۶۸، ص ۲۳) این عوامل دست به دست هم داده، موجب شک و تردید گروهی از شیعیان در امامت آن حضرت در آغاز کار شده بود چنان که برخی از آنان در صدد آزمایش امام علیه السلام برآمدند و برخی دیگر در این زمینه با امام علیه السلام مکاتبه کردند. این تزلزل‌ها و تردیدها به حدی بود که امام علیه السلام در پاسخ گروهی از شیعیان در این زمینه با آزدگی و رنجش فراوانی نوشت: «هیچ یک از پدرانم مانند من، گرفتار شک و تزلزل شیعیان در امر امامت نشده‌اند».

۸. مظلومیت‌های شیعه در زمان امام عسکری

جمعیت شیعیان در دوران امام حسن عسکری و در زمان حکومت معتمد مانند سایر خلفای عباسی، متحمل خفقان‌ها و مظلومیت‌های فراوانی بود. مهمترین ستم‌های ناروای معتمد را می‌توان به شرح ذیل ذکر کرد:

۸-۱. بازرسی منازل شیعه

خلیفه عباسی با وجود آنکه جاسوسی همچون جعفر در درون خانه امام داشت و او به موقع، موضوع فرزند امام حسن عسکری علیه السلام را به خلیفه گزارش می‌داد در جریان بازرسی منزل امام موفق به دستگیری حضرت ولی العصر علیه السلام نشد. این مسئله موجب فزونی نگرانی و وحشت وی شد. از این رو، پس از دفن امام علیه السلام و پراکنده شدن مردم در اقدامی گسترده‌تر، دستور بازرسی منازل شیعیانی را که احتمال می‌رفت حضرت ولی عصر علیه السلام در آنجا پنهان شده باشد را صادر کرد. احمد بن عبیدالله خاقان، فرزند وزیر معتمد می‌گوید: «چون امام عسکری علیه السلام به خاک سپرده شد و مردم پراکنده شدند پادشاه و دربارانش در جست‌وجوی فرزند آن حضرت، سخت دچار اضطراب و نگرانی شدند و در پی آن جست‌وجوی گسترده را در خانه‌های شیعیان آغاز کردند» (انصاری پور، ۱۳۶۳، ص ۱۸۳).

۸-۲. ایجاد فضای رعب و وحشت در میان شیعیان

دستگاه خلافت در زمان امام حسن عسکری برای دستیابی به حضرت امام مهدی (عج) هرچه تلاش کرد به نتیجه نرسید. ناچار توجه خود را به شیعیان و یاران آن حضرت معطوف کرد تا شاید از این طریق بتواند با ضربه زدن به جمع آنان به عنوان پایگاه‌های اجتماعی امامت و فروپاشیدن صفوفشان به حضرت مهدی (عج) دسترسی پیدا کند. از این رو، با همکاری جعفر کذاب که شیعیان را به خوبی می‌شناخت تلاش گسترده‌ای را برای ایجاد فضای بیم، ترور، اذیت و آزار شیعیان و بستگان امام عسکری علیه السلام حتی زنان و کنیزان خاندان آن حضرت آغاز کرد. شیخ مفید می‌نویسد: «جعفر بن علی برادر امام عسکری علیه السلام ترکه آن حضرت را تصاحب نمود و سعی در به زندان افکندن کنیزان و به بند کشیدن همسران آن حضرت کرد و یاران امام علیه السلام را از آن جهت که به انتظار امام عصر نشسته و به

وجود او یقین داشته و قائل به امامتش بودند مورد سرزنش قرار می داد. او با آنان به ستیز برخاست، چندان که همگان را بیم ناک و پراکنده ساخت و از این ناحیه بر بازماندگان حضرت عسکری علیه السلام مصیبت بزرگی وارد شد». از به بند کشیدن و زندان افکندن آنها گرفته تا تهدید و تحقیر و بی اعتنای کردن به آنان» (مفید، ۱۴۱۳، ص ۲۴).

۸-۳. پراکندگی شیعیان در زمان امام عسکری علیه السلام

از جمله رخدادهای اسف بار دوران امامت حضرت مهدی (عج) اختلاف شیعیان بر سر مسئله امامت و پراکندگی آنان به گروه های مختلف بود. مسعودی در این زمینه می نویسد: «شیعیان پس از رحلت امام عسکری علیه السلام درباره منتظر از خاندان پیامبر دچار اختلاف گشته و به بیست گروه تقسیم شدند» (مسعودی، ۱۴۰۹، ۴/۱۱۰).

۹. قیام های علویان در زمان امام عسکری علیه السلام

شیعیان و علویان در دوران حکومت عباسیان روزگار بسیار سختی گذرانده و به شیوه های گوناگون مورد آزار قرار گرفته یا به زندان افتاده اند. افزون بر آن، آنها عباسیان را غاصب خلافت می دانستند و از این رو از هر فرصتی برای قیام ضد آنان استفاده کرده با وجود شکست های پی در پی، تأثیر به سزایی در نمایندن چهره واقعی عباسیان داشتند. ابوالفرج اصفهانی بسیاری از این مجاهدت ها را به خوبی ترسیم کرده است. پاره ای از این قیام ها در زمان امام حسن العسکری صورت گرفته اند که به برخی از آنها به اختصار اشاره می شود.

۹-۱. قیام علی بن زید بن حسین

وی از نوادگان امام حسین علیه السلام بود و در زمان معتمد عباسی در سال ۲۵۶ق، در کوفه قیام کرد. شاه بن میکال با سپاهی گران برای نبرد به سوی او رفت. علی بند زید سپاه خلیفه را درهم شکست، اما شاه نجات یافت و بدین سبب معتمد عباسی، کیجور ترکی را به سوی او فرستاد تا او را به اطاعت وادارد، اما سرانجام پس از چندی تعقیب و گریز، علی بن زید کشته شد. (طبری، ۱۳۷۵، ۹/۴۷۴)

۹-۲. قیام احمد بن محمد بن عبدالله

وی نیز در زمان معتمد عباسی در مصر بین برقه و اسکندریه قیام کرد و با پیروان زیادی که یافت، ادعای خلافت کرد. احمد بن طولون کارگزار ترکه خلیفه در آن دیار سپاهی به سوی او فرستاد تا یاران او را از اطرافش پراکنده ساختند و پس از مدتی او را به قتل رساندند. (خضری، ۱۳۸۵، ص ۳۰۶)

۹-۳. قیام علی بن زید و عیسی بن جعفر

این دو نیز که علوی و از تبار امام حسن علیه السلام بودند. در سال ۲۵۵ق، در کوفه قیام کردند. معتز، سعید بن صالح، معروف به حاجب را با سپاهی عظیم به سوی آنها فرستاد و آن دو را سرکوب کرد. (مسعودی، ۱۴۰۹، ۹۴/۴)

۱۰. نتیجه گیری

امام حسن عسکری علیه السلام در دوران امامت خویش با سه خلیفه عباسی یعنی، معتز، مهتدی و معتمد معاصر بود که خلفا به سبک و روش خلفای پیشین سعی در محدود کردن فعالیت های امام داشتند حتی امام را در منزل تحت نظر قرار دادند تا جلوی ارتباط امام با شیعیان گرفته شود. باین وجود امام از هر فرصتی استفاده می کرد و ارتباط خود را با شیعیان در نقاط مختلف حفظ می کرد و فعالیت های سیاسی و فرهنگی و اجتماعی خود را انجام می داد؛ زیرا شیعه که حزبی فعال و سیاسی بود مورد اهتمام و توجه اهل بیت علیهم السلام به ویژه امام حسن عسکری بود.

در نوشتار حاضر به طور کلی فعالیت های امام حسن عسکری علیه السلام به دو قسمت فعالیت علمی و فعالیت سیاسی-اجتماعی تقسیم می شود. فعالیت های علمی عبارت است از: رساله ها و نامه ها، سخنان و مواعظ، پاسخ گویی به شبهات و مبارزه با عقاید انحرافی، کوشش های علمی و تربیت شاگردان برجسته. فعالیت های سیاسی اجتماعی امام علیه السلام عبارتند از: ایجاد شبکه ارتباطی با شیعیان. فعالیت های سری سیاسی امام عسکری علیه السلام عبارتند از: حمایت و پشتیبانی مالی از شیعیان، تقویت عناصر مهم شیعه. می توان گفت با همه سخت گیری هایی که بنی عباس نسبت به حضرت امام حسن عسکری علیه السلام و شیعیان آن حضرت روا داشتند، نتوانستند مانع گسترش معارف و فرهنگ ناب اسلام و

فضایل اهل بیت علیهم السلام شوند و هر کدام از شاگردان آن حضرت، پس از بهره‌گیری از علوم آن امام همام در گوشه‌ای از جهان اسلام به نشر اندیشه و معارف اهل بیت علیهم السلام پرداختند و راه سعادت و رستگاری را برای شیعیان هموار کردند.

فهرست منابع

۱. ابراهیم، حسن (۱۳۶۰). تاریخ اسلام. تهران: جاویدان.
۲. ابن شهر آشوب (بی‌تا). مناقب آل ابی طالب علیهم السلام. مترجم: دانش آشتیانی، محمدحسین. و رسولی محلاتی، سیدهاشم. قم: انتشارات علامه.
۳. ابن طاووس، علی بن موسی (۱۴۱۴). مهج الدعوات. بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
۴. اربلی، علی بن عیسی (۱۴۰۳). کشف الغمه. قم: دارالاضواء.
۵. افتخارزاده، محمودرضا (۱۳۷۷). شیعه و خوارج. تهران: انتشارات اساطیر.
۶. انصاری پور، صادق (۱۳۶۳). مظلومیت شیعه در عصر عباسیان. قم: دارالتهدیب.
۷. حسینی، محمدرضا (۱۴۰۹). تاریخ اهل بیت علیهم السلام. قم: مؤسسه نشر اسلامی.
۸. خضری، احمدرضا (۱۳۸۵). تاریخ تشیع. تهران: سازمان مطالعه.
۹. شهرستانی، محمد بن عبدالکریم (۱۴۱۵). الملل و النحل. بیروت: دارالمعرفه.
۱۰. صدوق، محمد بن علی (۱۳۸۵). الاعتقادات. تهران: سازمان مطالعه.
۱۱. صدوق، محمد بن علی (۱۴۴۱). علل الشراعی. بیروت: دارالکتب العلمیه.
۱۲. صدوق، محمد بن علی (بی‌تا). کمال الدین و تمام النعم. بی‌جا: مؤسسه نشر اسلامی.
۱۳. طبسی، محمدجواد (۱۴۱۳). حیاة الامام العسکری علیه السلام. قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
۱۴. فیروزآبادی، محمد بن یعقوب (۱۴۱۲). قاموس المحيط. بیروت: داراحیاء التراث العربی.
۱۵. قمی، عباس بن محمد (۱۳۶۸). سفینه البحار. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۱۶. کاشانی، محمد (۱۳۹۴). معادن الحکمه. قم: جامعه مدرسین.
۱۷. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۵۰). الکافی. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۱۸. مجلسی، محمدباقر (۱۹۸۳). بحار الانوار. بیروت: داراحیاء التراث العربی.
۱۹. مسعودی، علی ابن حسین (۱۴۰۹). مروج الذهب. بیروت: مؤسسه دارالهجره.
۲۰. مفید، محمد بن محمد نعمان (۱۴۱۳). الارشاد. قم: لایحیاء التراث.
۲۱. نویختی، حسن بن موسی (۱۳۷۶). فرق الشیعه. تهران: دارالکتب الاسلامیه.